University of qom

Private Law Doctrines of Islamic Countries
https://diplic.qom.ac.ir

EISSN:6365-3060

Examining the Wife's Entitlement to Nafaqah in the Period between the Conclusion of the Marriage Contract and Consummation under Imami Fiqh, Iranian Law, and the Laws of Certain Muslim States

Ahmad Ehsanifar [1]

1.Faculty Member, Research Institute of Hawzah and University, Qom,Iran (Corresponding Author), Email: aehsanifar@rihu.ac.ir

Abstract

There is considerable disagreement regarding the wife's entitlement to maintenance when the marriage contract has been concluded but the wedding ceremony has not yet taken place, and she resides in her father's home or her own home. This issue rests on a different premise: namely, whether the marriage contract alone gives rise to the wife's right to maintenance meaning she becomes entitled to it immediately upon the contract, unless a breach of marital duties on her part is proven or whether entitlement to maintenance is conditional not only on the marriage contract but also on the actual performance of marital duties toward the husband. Based on the second view, a wife is not entitled to maintenance until she has fulfilled her marital obligations toward her husband. Jurisprudential perspectives on this issue stem from two sources: the Quran and the conduct of the Prophet of Islam regarding several of the marriages he contracted. Since the Quran and the Prophet's conduct serve as the two sources for deriving legal rulings across all Islamic systems, the legal frameworks of Islamic countries share a common body of literature and approach regarding this matter. Each Islamic country's legal system has adopted a specific perspective based on its official school of jurisprudence.

Key Words: Living expenses؛ Fulfilling marital duties؛ Failure to fulfill marital duties؛ Wedding؛ Violation of marital duties

Received: 14/06/2026; Revised: 09/08/2026; Accepted: 12/09/2026; Published online: 13/10/2026

How To Cite: Ehsanifar, E. (2026). Examining the Wife's Entitlement to Nafaqah in the Period between the Conclusion of the Marriage Contract and Consummation under Imami Fiqh, Iranian Law, and the Laws of Certain Muslim States. ***Private Law Doctrines of Islamic Countries,*** 3(3), 1-26. https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.17628.1159

Published by: University of Qom **©The Author(s)** **Article type: Research**

آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی
https://diplic.qom.ac.ir
University of qom
شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰- ۶۳۶۵

سنجش استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله عقد نکاح تا زفاف در فقه امامیه، حقوق ایران و برخی کشورهای مسلمان

احمد احسانی فر[1]

۱. عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق اجتماعیِ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول): رایانامه: aehsanifar@rihu.ac.ir

چکیده

استحقاق نفقه برای زوجه‌ای که بعد از انعقاد عقد نکاح، کماکان در منزل پدری یا در منزل شخصی خود سکونت دارد و هنوز به منزل مشترکِ بعد از زوجیت منتقل نشده و واقعه زفاف رخ نداده است، از چالش‌های فقهی و حقوقی است که دیدگاه‌های گوناگونی را در متون فقهِ استدلالی و متون فقهِ استفتائی ایجاد کرده است. قوانین کشورهای اسلامی هریک مبتنی بر مذهب رسمی خود، به اتخاذ مبنایی در این مسئله اقدام کرده‌اند. در مقاله پیش‌رو ابتدا دیدگاه‌های فقهی و ادله آن‌ها مورد گفتگو قرار می‌گیرد. در بیان ادله، صرفاً ادله قرآنی و سیره نبی‌مکرم که در منابع سیره و تاریخِ اهل سنت بیان شده و به نحو مشترک به‌عنوان منبع استنباط حکم شرعی در متون فقهیِ امامیه و عامه مورد استناد قرار گرفته مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چراکه این ادله، بین مذاهب اسلامی مشترک است و منبع واحدی برای قوانین کشورهای اسلامی به شمار می‌آید. بعد از نقد و واکاوی ادله مطروحه، روشن خواهد شد که دیدگاهی که استحقاق نفقه را منوط بر تمکین می‌داند، از وجاهت استدلالی برخوردار نیست و مورد تأیید قرآن و سیره نبی‌مکرم نیست و در مقابل، دیدگاهی که استحقاق نفقه را به محض انعقاد نکاح می‌داند واجد ادله معتبر و متقن است. آنگاه موضع حقوق ایران در این مسئله تبیین می‌گردد که بر اساس تجمیع چند ماده، نظریه استحقاق نفقه به محض انعقاد نکاح را مورد پذیرشِ تلویحی قرار داده است و درنهایت، موضع دوازده کشور اسلامی در این مسئله مورد تنقیح، تبیین، مقایسه و نسبت‌سنجی با یکدیگر قرار می‌گیرد. نیمی از این کشورها (۶ کشور) دیدگاهِ حامی شرطیت تمکین را برگزیده‌اند و استحقاق نفقه را منوط بر تمکین یا تسلیم نفس یا آمادگی برای آن می‌دانند و نیم دیگری از این کشورها (۶ کشور) حامی دیدگاه مانعیت نشوز شده‌اند و صرف انعقاد نکاح را برای تعلق نفقه کافی دانسته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که در بین قوانین کشورهای اسلامی، از هر دو رویکرد به نسبتِ مساوی طرفداری شده است.

واژگان کلیدی: نفقه، زفاف، سبب، شرط، مقتضی، مانع، تمکین، تسلیم نفس، تمکین و تسلیمِ نفسِ حُکمی، نشوز.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵ /۰۷/۲۱

استناد: احسانی‌فر، احمد. (۱۴۰۵) سنجش استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله عقد نکاح تا زفاف در فقه امامیه، حقوق ایران و برخی کشورهای مسلمان، آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۳ (۳)، ۲۶-۱. https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.17628.1159

ناشر: دانشگاه قم
©نویسندگان
نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

در اینکه قبل از نکاح و به تعبیرِ قانون مدنی در دوران «نامزدی»، زوج موظف به پرداخت نفقه نیست تردید وجود ندارد. در اینکه پس از انعقاد نکاح و پس از شروع زندگی با ورود زوجه به منزل مشترک و برقراری روابط زوجیت و تمکین زوجه، مرد موظف به پرداخت نفقه است نیز تردید وجود ندارد. در اینکه پس از اثبات نشوز زوجه، مرد موظف به پرداخت نفقه نیست هم تردید وجود ندارد؛ چراکه «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود» (ماده ۱۱۰۸ ق.م). تردیدها همه در یک موضع است: اینکه آیا نفقه نیز همانند مهر به موازات عقد بر زوج لازم می‌گردد و نشوز مانع و مسقط آن است، یا آنکه اصولاً پرداخت نفقه با برقراری «تمکین» یا «تسلیم نفس در اختیار زوج» لازم می‌شود، نه صرفاً با انعقاد عقد؟

این پرسش به‌ویژه در جایی محل نزاع قرار می‌گیرد که زوجه به عقدِ زوج درآمده، ولی هنوز موقعیت زفاف رخ نداده است. در این دوران، زوجه غالباً در منزل پدری سکنا گزیده است. پاسخ به این مسئله که آیا نفقه در دوران فی‌مابینِ عقد نکاح تا زفاف برعهده زوج قرار می‌گیرد یا خیر، ریشه در مسئله دیگری دارد که نقش «مبنا» را برای این مسئله ایفا می‌کند؛ بنابراین مسئله استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله میان عقد تا زفاف، در جایگاه بنایی بر آن مبنا قرار می‌گیرد. مسئله مبنایی آن است که آیا انعقاد عقد «سببِ» ثبوت، لزوم و وجوب پرداخت نفقه است و واقعه «تمکین» یا «تسلیم نفس» یا «آمادگی برای تمکین» به‌عنوان «شرطِ» لزوم پرداخت نفقه به شمار می‌آید و به همین دلیل تا زمانی که شرط محقق نشود، نمی‌توان پرداخت نفقه را لازم دانست؛ یا آنکه انعقاد عقد به‌عنوان «مقتضی» برای لزوم پرداخت نفقه محسوب می‌شود و به همین دلیل از حین انعقاد عقد، زوجه مستحق نفقه است تا زمانی که «مانعِ» نشوز اثبات گردد. اتخاذ مبنا در این مسئله مبنایی، پاسخ به پرسشِ بنائی در مورد استحقاق نفقه به زوجه در فاصله میان عقد تا زفاف را روشن می‌سازد. چند مسئله در رابطه با پرسش فوق پیرامون زمان ایجاد تعهد زوج به پرداخت نفقه، محل ابهام و اختلاف است.

مسئله نخست آن است که اگر در این دوران، رابطه جنسی بین زوجین برقرار نشود، آیا زوجه مستحق نفقه است یا خیر؟ دومین مسئله آن است که اگر در این دوران رابطه جنسی برقرار نشود، ولی زوجه آمادگی برای برقراری رابطه داشته باشد، آیا می‌توان زوجه را به صِرف آمادگی مستحق نفقه دانست یا خیر؟ درواقع اگر از رفتار یا گفتار یا وضعیت یا اوضاع و احوال ویژه زوجه در این دوران، ظهور و اماره‌ای به دست آید

که دلالت و قرینیت بر آمادگی وی برای برقراری رابطه جنسی باشد، آیا می‌توان به صِرف وجود چنین ظهوری وی را مستحق نفقه دانست یا خیر؟

سومین مسئله آن است که اگر زوج با ادعای عدم تمکین (نشوز) از سوی زوجه از پرداخت نفقه امتناع نماید و زوجه با ادعای تمکین پرداخت نفقه را مطالبه نماید، چه کسی باید به اثبات این واقعه بپردازد؟ آیا زوج باید عدم تمکین (نشوز) را اثبات کند یا آنکه اثبات تمکین بر عهده زوجه قرار می‌گیرد؟

دیدگاه‌های فقهی مقتبس از ادله قرآنی و گزارش‌هایی از سیره نبی‌مکرم است که این سیره در کتب تاریخیِ اهل سنت ذکر شده است. ازاین‌رو با توجه به اینکه قرآن و سیره نبویِ مذکور در کتب تاریخ و سیره اهل سنت، منبعِ مشترک جهت استنباط حکم فقهی در فقه شیعه و فقه اهل سنت محسوب می‌شود، ادله مطروحه و نظریات مستنَتج در فقه شیعه و مذاهب عامه قرابت نزدیکی با یکدیگر یافته‌اند.

مقاله پیش‌رو در ابتدا با رهیافتی به دیدگاه‌های فقیهانِ امامیه، سعی در پاسخگویی به پرسش‌های فوق مبتنی بر متون فقهیِ شیعی دارد. در ادامه، مسائل فوق را از منظر قانون ایران مورد پاسخگویی قرار می‌دهد و درنهایت، در قوانین کشورهای اسلامی به تفحص می‌پردازد و با بررسی قانون احوال شخصیه و قانون خانواده، به تبیین وضعیت موجود در حقوق این کشورها خواهد پرداخت.

۱. وضعیت استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله عقد تا زفاف در فقه امامیه

اینکه در حالت اطلاق عقد و فقدان توافق زوجین و فقدان عرف مسلم، اقتضاء حکم شرعی و قانونی در مورد «زمان تعلق حق نفقه زوجه بر ذمه زوج» چیست، محل اختلاف میان فقیهان است و دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شده است. مبتنی بر یک دیدگاه، تمکین شرط حتمی در لزوم پرداخت نفقه است و باید ابتدائاً اثبات گردد تا بتوان مرد را به پرداخت نفقه الزام کرد و مبتنی بر دیدگاه دوم، نفقه به محض انعقاد نکاح لازم می‌گردد و نیاز به اثبات تمکین ندارد، بلکه نشوز مانع ایفاء نفقه می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۴۰-۴۴۱).

۱-۱. دیدگاه نخست: اثبات تمکین از سوی زوجه به‌مثابه شرط ثبوت نفقه

مبتنی بر دیدگاه نخست، علاوه‌بر وقوع نکاح، وقوع و اثبات تمکین توسط زوجه نیز سبب یا شرط پرداخت نفقه محسوب می‌شود (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۶۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۷۴). میرزای قمی در این رابطه می‌نویسد: «اختلاف کرده‌اند در اینکه آیا تمکین شرط وجوب نفقه است و نشوز مانع است یا آنکه اصل وجوب نفقه است تا نشوز ثابت شود و مراد از تمکین آن است که تخلیه کند میان خود

و شوهر در هر جا و در هر حال و خود را به دست او بدهد (در غیر جایی که شرعاً معذور باشد، مثل ایام حیض و در وقت احرام و در حال مرضی که نتواند تمکین کند و امثال آن) و مراد از نشوز آن است که از فرمان شوهر بیرون رود، هرچند به این باشد که بی رخصت او از خانه بیرون رود یا هرگاه خواهد با او استمتاع کند مانع شود بدون عذری و مشهور میان علما این است که تمکین شرط وجوب نفقه است» (میرزای قمی، ۱۴۷۱: ج ۴، ۳۵۹).

منطبق با این مبنا، اثبات تمکین رکن ایجاد حق نفقه است و این اثبات باید توسط زن صورت پذیرد و زن به صرف اثبات نکاح حق مطالبه نفقه را نخواهد داشت. به همین دلیل در استفتاء ذیل، مراجعی که تمکین را شرط استحقاق نفقه دانسته‌اند، بر ضرورت اثبات آن توسط زوجه تأکید کرده‌اند:

سؤال: در اختلافات میان زن و شوهر در خصوص تمکین زن، آیا تمکین شرط است تا به دلیل اصل عدم تمکین، بار اثبات بر دوش زن باشد یا نشوز، مانع است تا به دلیل اصل عدم نشوز، بار اثبات بر عهده شوهر باشد و آیا نمی‌توان گفت ظهور حال زوجه، دالّ بر تمکین است (چنان‌که برخی در باب نفقه فرموده‌اند) و قول شوهر مخالف با ظاهر بوده و او مدعی محسوب می‌شود؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۳۴۶).

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی(ره): «ظاهر این است که تمکین شرط وجوب نفقه و احکام مترتبه است و در مورد اختلاف، زوجه باید تمکین را اثبات کند... ۹/جمادی‌الاولی ۱۴۲۵ هـ. ق».

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: «تمکین شرط است و مدعیِ تمکین باید آن را ثابت کند... ۱۳۸۳/۰۴/۱۰».

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: «تمکین زوجه، شرط انفاق است و در صورت اختلاف، زوجه باید آن را اثبات نماید.۱۳۸۳/۰۵/۱۱».

مبتنی بر این دیدگاه، افزون بر آنکه به لحاظ ثبوتی، واقعه تمکین یا آمادگی برای تمکین شرط ثبوت نفقه محسوب می‌شود، به لحاظ اثباتی این رویداد باید از سوی زوجه اثبات گردد (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۶۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۷۵). بنابراین اگر زن اظهار آمادگی کند، ولی زوج آمادگی برای برقراری رابطه با همسر نداشته باشد، مبتنی بر این نظریه، زن مستحق نفقه است. در استفتاء از مراجعی که قائل به نظریه شرطیت تمکین هستند به این نکته تصریح شده که اگر زوجه آماده تمکین باشد، ولی زوج فاقد آمادگی جهت برقراری رابطه با همسر باشد، زوجه مستحق نفقه است:

آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی(ره): «اگر ارتکاز عرفی بر اسقاط نفقه در مدت بین عقد و زفاف

است، حق مطالبه نفقه را ندارد، مگر اینکه زن برای زفاف حاضر باشد، ولی زوج او را به خانه خود نمی‌برد که در این صورت حق مطالبه نفقه زوجه ثابت است» (تبریزی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۶۹).

سؤال: اگر بین عقد و عروسی فاصله زمانی باشد، بفرمایید: الف. آیا زوجه در این مدت که در خانه زوج نیست، استحقاق نفقه دارد؟... ج. در این مسئله، آیا آمادگی زوجه در مدت مذکور برای رفتن به خانه زوج و عدم آن، تأثیری در حکم نفقه دارد؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۲۲۴).

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: «۱. استحقاق نفقه ندارد... ۳. هرگاه زن اظهار کند که آماده برای رفتن به خانه شوهر است و مرد حاضر نشود باید نفقه را بپردازد.۱۳۸۲/۰۳/۰۳».

آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی(ره): «نفقه زوجه بعد از عقد برعهده زوج است، ولی در دوران متعارف نامزدی که زن در خانه پدر خود است و عروسی نکرده‌اند نفقه واجب نیست، البته اگر شوهر نخواهد عروسی کند یا زن را ببرد با آنکه زن حاضر است لازم است نفقه را بپردازد و در آن مدت که توافق و قراردادی برای نرفتن به خانه شوهر شده ظاهراً نفقه واجب نیست مگر آنکه شرط تنها از طرف زن و به‌عنوان حقّی فقط برای او باشد نه شوهر که اگر از این حق صرف‌نظر کند و آماده باشد که به خانه شوهر برود نفقه‌اش واجب می‌شود.۱۳۸۲/۰۳/۰۱».

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: «الف. اگر زوجه تمکین می‌کند و حاضر است همراه شوهر به خانه او برود، حق نفقه دارد... د. اگر ... زوجه اعلام آمادگی رفتن به خانه شوهر را می‌کند استحقاق نفقه را دارد. ۱۳۸۲/۰۳/۰۸».

آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی (ره): «... در فاصله متعارف پس از عقد که هنوز عروسی صورت نگرفته و دختر در خانه پدر خود، جدای از همسر زندگی می‌کند، نفقه واجب نیست مگر اینکه خود شوهر نخواهد زن را ببرد و بخواهد او در خانه پدر بماند، در این صورت باید نفقه او را بدهد.۱۳۸۰/۰۵/۰۶» (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۹۰۱۰).

مشهور فقها مبنای شرطیت تمکین را برگزیده‌اند و شرط لزوم نفقه را تمکین کامل دانسته‌اند (موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۷۴)؛ حتی تمکین در بعضی زمان‌ها و بعضی مکان‌ها نیز کافی برای لزوم نفقه نیست، بلکه تمکین باید به نحو کامل شکل بگیرد تا مقتضی برای لزوم پرداخت نفقه مهیا گردد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۰۳). بااین‌حال، شهید ثانی با آنکه نظریه شرطیت تمکین را از منظر سایر فقیهان «اظهر» قلمداد کرده است، اما این نظریه را با عنوان «قیل» متصف کرده که دال بر عدم فراوانیِ حامیان و پیروان آن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۴۱- ۴۴۲). محقق حلی نیز نظریه شرطیت تمکین را از منظر

سایر فقیهان، «اظهر» قلمداد کرده و اظهار «تردیدِ» خود را نسبت به این نگاه فقیهان علنی ساخته است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۹۱).

محقق بحرانی در مقام تحلیل این شیوه بیان محقق حلی و شهید ثانی که اظهر بودن این دیدگاه را به سایر فقیهان نسبت داده‌اند، بر این عقیده است که از منظر ایشان، ظاهر ادله شرعی بر شرطیت تمکین گواهی نمی‌دهد و به همین دلیل اظهریت ادله را به سایر فقیهان استناد داده‌اند (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۰۰ و ۱۰۲).

در میان مراجع معظم معاصر، آیات عظام میرزا جواد تبریزی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، سبحانی، موسوی اردبیلی، فیاض، سید محمدسعید حکیم و نوری همدانی الزام به پرداخت نفقه را مشروط به تمکین کامل دانسته‌اند:

«سؤال: ... ب. آیا پرداخت نفقه زوجه‌ای که در عقد بستگی تمکین تام نمی‌کند بر زوج لازم است؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۹۰۱۰).

آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی (ره): «ب. در مدتی که به‌صورت متعارف در فاصله بین عقد و زفاف زن در خانه پدرش می‌ماند ادای نفقه او بر شوهر واجب نیست. ۱۳۸۰/۰۴/۱۰».

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: «... ب. نفقه زوجه در این ایام لازم نیست. ۱۳۸۰/۰۳/۱۹».

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: «...ب. در فرض مذکور پرداخت نفقه بر زوج واجب نیست. ۱۳۷۸/۱۱/۱۲».

«سؤال: با توجّه به اینکه هنوز عروسی واقع نشده و دختر به خانهٔ شوهر نرفته، آیا نفقه به او تعلّق می‌گیرد؟ آیت‌الله مکارم شیرازی: زوجه حقّ نفقه ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ج ۳، ۲۸۵).

«سؤال: آیا احکام زوجیت مانند اطاعت و عدم خروج از خانه بدون اذن زوج و نفقه از ابتدای زوجیت آغاز می‌شود؟ یا اینکه پس از عروسی و آمدن به خانه و یا از مقتضیات تمکین است و بدون تحقّق آن محقّق نمی‌شود؟

آیت‌الله سبحانی: از زمان تمکین مطلق که غالباً با عروسی انجام می‌گیرد نفقه همسر بر شوهر است» (سبحانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۳۲).

۴. آیت‌الله سید محمدسعید حکیم: «آنچه در این زمان متعارف شده که زن پس از عقد بستن تا هنگام زفاف در خانهٔ پدر و مادر بماند، این نیز از مواردی است که رضایت شوهر بر ماندن او بر مبنای نفقه نداشتن است» (حکیم، ۱۳۹۱: ۶۶۱).

۵. آیت‌الله فیاض: «نفقه زوجه در فاصله عقد و عروسی بر شوهر واجب نیست» (فیاض، ۱۴۲۶: ۵۶۴).

۱-۲. دیدگاه دوم: اثبات نشوز از سوی زوج به‌مثابه رافع بقاء نفقه

مبتنی بر دیدگاه دوم، وقوع نکاح کافی برای پرداخت نفقه است و پس از اثبات وقوع نشوز توسط مرد، نفقه ساقط می‌گردد. بنا بر مبنای کسانی که نشوز را مانع نفقه می‌پندارند از ابتدای عقد و قبل از دخول نیز زن مستحق نفقه است، مگر آنکه ناشزه گردد. مؤید این نظریه آن است که زن مریضی که توان تمکین ندارد و زنی که علت داشتن زائده‌ای در ناحیه جنسی، امکان برقراری نزدیکی ندارد، در ادله شرعی مستحق نفقه دانسته شده است؛ حال آنکه اگر نفقه مشروط بر تمکین باشد، این زنان نباید مستحق نفقه باشند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۴۱).

مبتنی بر مبنای دوم، زن به صرف وقوع نکاح حق نفقه خواهد داشت و تنها در صورت اثبات وقوع نشوز که باید توسط مرد صورت گیرد، حق نفقه زن ساقط می‌گردد. اصل بر عدم نشوز است و اگر مرد، مدعی نشوز است باید نشوز را اثبات کند و الا زوجه مستحق نفقه خواهد بود (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج۳، ۲۶۸). اثر این اختلاف‌نظر در جایی رخ می‌دهد که نشوز و تمکین محل تردید است. مرد ادعای نشوز می‌کند و زن ادعای تمکین می‌نماید. طبق نظریهٔ شرطیت تمکین، باید تمکین احراز شود تا نفقه واجب گردد. اما طبق نظریه مانعیت نشوز، مقتضی نفقه، عقد نکاحی است که محرز شده است و مانع آن نشوزی است که اثبات نشده است. مانع محتمل توان جلوگیری از اثرگذاری مقتضی معلوم در حدوث حق نفقه را ندارد (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۳۰).

مبتنی بر نظریه شرطیت تمکین، باید زن تمکین خود را اثبات نماید، چراکه اصل بر عدم تمکین است و ادعای وی مخالف با اصل است، ولی مبتنی بر نظریه مانعیت نشوز، مرد باید نشوز را اثبات کند، چراکه اصل بر عدم نشوز است و ادعای وی مخالف با اصل است (موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۷۵).

از آثار دیگر نظریه مانعیت نشوز آن است که زن نیاز نیست به نحو قولی یا فعلی، اظهار آمادگی برای تمکین نماید. بلکه همین قدر که وی قول یا فعلی که دال بر نشوز است را مرتکب نشود، استحقاق نفقه خواهد داشت (موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۷۵).

در بین مراجع معظم معاصر، حضرات آیات عظام امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، فاضل لنکرانی، سید صادق روحانی و منتظری، دیدگاه مانعیت نشوز را برگزیده‌اند و به همین دلیل نفقه زوجه در دوران عقد تا

زفاف را بر عهده زوج نهاده‌اند و درعین‌حال، تمکین در این دوران را نیز از وظایف زوجه دانسته‌اند:

«سؤال: بین فقها اختلاف است که تمکین شرط وجوب نفقهٔ زوجه است بر زوج یا نشوز مانع از وجوب نفقه است. آیا نظر مبارک به کدام یک از این دو قول است؟ در صورت شک در نشوز و تمکین، آیا نفقه به زوجه تعلق می‌گیرد و دادگاه می‌تواند زوج را الزام به دادن نفقات گذشته که مورد شک است، بنماید؟

امام خمینی: تا نشوز زن به وجه شرعی اثبات نشده، استحقاق نفقه دارد» (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۹، ۳۳۹).

«سؤال: نفقه دختر در زمان عقد بر عهده چه کسی است؟

آیت‌الله بهجت: بر عهده شوهر او است» (بهجت، ۱۳۸۶: ج ۴، ۹۷).

سؤال: اگر بین عقد و عروسی فاصله زمانی باشد، بفرمایید: الف. آیا زوجه در این مدت که در خانه زوج نیست، استحقاق نفقه دارد؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۲۲۴)

آیت‌اللهالعظمی بهجت (ره): «الف و ب. بعد از اجرای عقد، زوجه استحقاق نفقه دارد... ۱۳۸۲/۰۴/۲۳».

آیت‌اللهالعظمی فاضل لنکرانی (ره): «الف. اگر راضی به تمکین باشد، بلی... ۱۳۸۲/۰۲/۳۰».

«سؤال: مردی که زنی را به عقد دائم خود درآورده است، ولی بنا به شرایط [اقتصادی] مثلاً بگوید که سه ماه دیگر او را به خانه می‌برم حقّ خرج او بر پدر است یا شوهر؟ و آیا اجازهٔ خروج از منزل پدری در راه‌های دور و نزدیک با پدر است یا شوهر؟

آیت‌الله بهجت: نفقهٔ زن با شوهر است و باید در خارج شدن از منزل، از شوهر اطاعت نماید» (بهجت، ۱۳۸۶: ج ۴، ۹۷).

سؤال: وقتی یک پسر با یک دختر ازدواج کردند، شرایط رفت‌وآمد آن‌ها چگونه است؟ آیا می‌توان بعد از ازدواج تا زمان عروسی نگذاشت رفت‌وآمد شود و یا نگذاشت که شوهر، زن عقدی خود را از خانه پدر دختر بیرون ببرد؟ کلاً چگونه باید رفتار شود؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۳۸۳).

آیت‌اللهالعظمی خامنه‌ای (ره): «پس از اجرای عقد ازدواج دائم، تمامی احکام مربوط به این عقد که در رساله‌ها به تفصیل بیان شده است مترتب می‌شود مثل اینکه نفقهٔ زن بر مرد واجب می‌شود... ۱۳۷۸/۰۲/۱۸».

سؤال: آیا پرداخت نفقه زوجه‌ای که در عقد بستگی تمکین تام نمی‌کند بر زوج لازم است؟ (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۱۳۳۹)

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (ره): «پس از اجرای عقد ازدواج تمامی احکام مربوط به این عقد که در رساله‌ها به تفصیل بیان شده است مترتب می‌شود...».

آیت‌الله سید صادق روحانی: «در مدت نامزدی... اگر زن تمکین نموده و شرط تأخیر نبوده و مرد خودش دخول نکرده، در آن مورد نفقه واجب می‌شود» (روحانی، ۱۳۸۳: ج ۴، ۱۷۵).

«سؤال: دختر و پسری عقد ازدواج خوانده‌اند و دختر در منزل پدر است و هنوز زفاف صورت نگرفته. ... آیا نفقه بر زوج واجب خواهد بود؟

آیت‌الله منتظری:... نفقه هم در صورتی بر زوج واجب است که زن حاضر باشد تمکین کامل کند و نیز به خانهٔ زوجه برود» (منتظری، ۱۳۸۴: ج ۳، ۳۶۶).

«سؤال: زنی که عقد شده ولی عروسی نکرده‌اند آیا نفقه طلبکار است یا نه و اگر تأخیر در عروسی از ناحیهٔ عروس است چطور؟

آیت‌الله منتظری: اگر از ناحیهٔ دختر ابایی از تمکین نیست نفقه طلبکار است و اگر از تمکین ابا دارد طلبکار نیست» (منتظری، ۱۳۸۴: ج ۲، ۳۹۱).

۲. ادله فقهیِ دیدگاه ناظر به شرطیت تمکین و نقد آن

قائلان به شرطیت تمکین به وجوهی متمسک شده‌اند که توصیف محقق بحرانی از وجوه قائلان به این نظریه، شنیدنی‌ترین توصیف است. از منظر وی، این نظریه ادعای صِرف است و هیچ یک از وجوهی که قائلان به این نظریه مطرح کرده‌اند، نه دلالتی بر مدعا دارد و نه برهانی است که شایسته اعتنا باشد. در مقابل، ادله روایی که وجوب نفقه را بر مجرد زوجیت مترتب ساخته است از چنان ظهوری برخوردار است که جای هیچ شبهه‌ای بر بطلان نظریه شرطیت تمکین باقی نمی‌گذارد. زوجیت نیز به اتفاق فقها به مجرد انعقاد صیغه نکاح محقق می‌شود و متوقف بر تمکین باقی نمی‌ماند (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲۵، ۹۹).

به همین دلیل محقق بحرانی وقتی مواجهه استادش شهید ثانی با نظریه شرطیت تمکین را توصیف می‌کند که وی به این نظریه اشکالاتی وارد می‌کند و درعین‌حال فتوا به مانعیت نشوز نمی‌دهد، به این شیوه مواجهه استاد نیز اعتراض می‌کند که چرا از شهرت نظریه شرطیت تمکین هراسناک است و با قاطعیت فتوا نمی‌دهد. با آنکه شهید ثانی تمامی وجوه نظریه شرطیت تمکین را به دقیق‌ترین شکل ممکن، نقد و ردّ می‌کند، اما درنهایت از فتوا به نظریه مانعیت می‌گریزد و این عدم فتوای شهید، شاگردش محقق بحرانی را به اعتراض وا می‌دارد. وی معتقد است شهید باید با قاطعیت بیشتر در مقابل این نظریه می‌ایستاد و از

روی جزم و فتوا، این نظریه را بی‌بهره از هرگونه مبنای مستقیمی معرفی می‌نمود (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲۵، ۹۹).

۲-۱. دلیل نخست: سیره نبویِ مذکور در منابع تاریخیِ عامه

نخستین وجه که مستند نظریه شرطیت تمکین قرار گرفته، استناد به برخی روایات است که ظهور خفیفی بر این مدعا دارد. در گزارش یکی از ازدواج‌های نبی مکرم(ص) چنین حکایت شده که ایشان بعد از دو سال از تاریخ ازدواج، با همسر خود مباشرت نمودند و تا آن زمان نیز نفقه‌ای به وی نپرداختند. در برخی دیگر از روایات عامه گفته شده بعد از چند سال مباشرت رخ داد و تا آن زمان نبی مکرم نفقه‌ای نپرداختند. برخی فقیهان این روایات را به منزله مؤیدی بر شرطیت تمکین دانسته‌اند و برخی دیگر از تأییدِ صِرف فراتر رفته و نقش دلیل به این روایات اعطا کرده‌اند (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۲۷). بااین‌حال، روایات فوق (بر فرض صحت صدور آن) صرفاً به گزارشی از اقدام نبی مکرم می‌پردازد و دلالتی بر شرطیت تمکین ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ۴۴۱-۴۴۲). افزون بر این که کیفیت صدور این روایت نیز روشن نیست (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۲۸).

در روایت دیگری از نبی مکرم (ص)، ایشان به نصیحت مردان نسبت به رعایت حال زنان می‌پردازند. ایشان زنان را ضعیفانی در نزد مردان می‌دانند و به مردان اجازه بهره‌برداری از فروج زنان را می‌دهند و نفقه آنان را نیز بر عهده مردان می‌نهند. وجه دلالت این روایت بر نظریه شرطیت تمکین آن است که اولاً در ابتدای روایت، زنان در نزد مردان دانسته شده‌اند و سپس سخن از نفقه آن‌ها به میان آمده است و ثانیاً در ابتدای روایت، بهره‌گیری از فروج زنان بر مردان حلال دانسته شده و سپس سخن از استحقاق نفقه به میان آمده است. از منظر قائلان به نظریه شرطیت تمکین، این تقدم و تأخر در بیان این احکام، نشانه‌ای است از اینکه ابتدا زن باید به نزد شوهر درآید و در مسکن مشترک بیارامد و آنگاه به تمکین جنسی اقدام کند و بعد از آن مرد به پرداخت نفقه بپردازد.

این شیوه استدلال نیز تلاشی برای تحمیل عقیده بر متن روایت است. روایت هیچ نشانی از ترتب، اناطه و توقف نفقه بر حضور زن در منزل شوهر و تمکین جنسی ندارد. بلکه ابتدا سخن از حضور زن به میان آمده و سپس سخن از تمکین جنسی و سپس سخن از نفقه. این موضوعات در عرض یکدیگر در روایت مطرح شده‌اند، نه در طول یکدیگر و مترتب و متفرع بر یکدیگر. به تصریح شهید ثانی حتی می‌توان ظهور روایت را بر علیه نظریه شرطیت تمکین دانست؛ چراکه در روایت تمتع از فروج زنان بر مردان حلال اعلام

شده و حال آنکه صرف اعلان حکم حلیت تمتع جنسی از سوی شارع باعث تمکین جنسی در عالم خارج نمی‌شود. درحالی‌که مدعای نظریه شرطیت تمکین آن است که تا زمانی که تمکین جنسی به نحو واقعی رخ ندهد، نمی‌توان مرد را ملزم به پرداخت نفقه دانست (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج۸، ۴۴۱-۴۴۲). صاحب‌جواهر نیز بسان شهید ثانی معتقد است که این روایت نه‌تنها دلیلی به نفع نظریه شرطیت تمکین نیست، بلکه عمومیت این روایت دلیلی بر علیه این نظریه به شمار می‌آید؛ زیرا بدون آنکه الزام به پرداخت نفقه را به واقعه تمکین تخصیص بزند، از لزوم پرداخت آن سخن گفته و این نحوه بیان دال بر عموم است (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۲۸).

۲-۲. دلیل دوم: ادله قرآنی

صاحب‌جواهر ازجمله فقیهانی است که تمامی ادله نظریه شرطیت تمکین را نقد و ردّ کرده است (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۲۷)؛ لکن از بعض آیات نظیر آیه قوامیت زوج بر زوجه «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» (سوره النساء، آیه ۳۴) با تردید و با قلمی لرزان، چنین استشمام می‌کند که نفقه در قبال تمکین و در عوض آن تشریع شده باشد (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۶، ۲۲۸). بااین‌حال، آیه قوامیت زوج بر زوجه که صاحب‌جواهر از آن استشمام شرطیت تمکین می‌کند، از منظر سایر فقیهان نه‌تنها دلالت بر شرطیت تمکین ندارد، بلکه ظاهر بر عدم شرطیت تمکین است؛ چراکه در این آیه دلیل قوامیت زوج بر زوجه، انفاق به زوجه است «اَلرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ... بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ». بدین ترتیب باید در ابتدا علت یعنی انفاق ایجاد شود تا متعاقب بر آن معلول یعنی قوامیت حادث شود (هندی اصفهانی، ۱۴۱۶: ج ۷، ۵۵۸).

۳. وضعیت استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله بین عقد تا زفاف در قانون ایران

به دلیل اختلاف‌نظر فقیهان در مسئله شرطیت تمکین یا مانعیت نشوز، قانون‌گذارِ ایران نیز به صراحت به مسئله ورود نکرده است. درعین‌حال، ظهور مواد قانون مدنی گواه بر آن است که قانون‌گذار نظریه مانعیت نشوز را به رسمیت می‌شناسد و نشوز را مانع نفقه تلقی می‌نماید. چراکه در ماده ۱۱۰۲ به محض انعقاد نکاح، حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر را برقرار می‌داند[1] و ماده ۱۱۰۶ پرداخت نفقه را یکی از تکالیف شوهر در مقابل زوجه می‌داند.[2] از جمع این دو ماده چنین نتیجه می‌شود که پرداخت نفقه که از

۱. ماده ۱۱۰۲ ـ همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.
۲. ماده ۱۱۰۶ ـ در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

تکالیف شوهر محسوب می‌شود به محض انعقاد نکاح بر عهده وی قرار می‌گیرد. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی نیز مؤید همین نظریه است که نفقه را صرفاً در فرض نشوز ساقط می‌داند.[۱] حقوق‌دانان نیز با استظهار از همین مواد قانونی، نظریه عدم اناطه حق نفقه بر تمکین را برگزیده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۸۶).

این نکته را نیز باید افزود که بعد از انعقاد عقد، این امکان وجود دارد که زوجه به استناد حق حبس خویش از تمکین جنسی و از ورود به منزل مشترک امتناع به عمل آورد. از آنجا که این امتناع به علت «مانع مشروع» بوده است، عذر موجه به شمار می‌آید. مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، عدم تمکین به علت «مانع مشروع» را مسقط نفقه نمی‌داند.[۲] افزون بر آنکه نصِ ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زوجه‌ای که مستند به حق حبس خویش، از تمکین ممانعت به عمل می‌آورد را مستحق نفقه می‌داند.[۳]

۴. وضعیت استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله میان عقد تا زفاف در قانون برخی کشورهای اسلامی

قانون برخی کشورهای اسلامی در رابطه با این پرسش که «آیا صرفِ انعقاد عقد نکاح به منزله «مقتضی» برای ثبوت، لزوم و وجوب پرداخت نفقه به زوجه محسوب می‌شود و نیاز به شرط دیگری بسان تمکین و تسلیم نفس نیست، یا آنکه انعقاد عقد نکاح صرفاً «سببِ» ثبوت، لزوم و وجوب پرداخت نفقه به زوجه محسوب می‌شود و «سبب» به تنهایی و بدون انضمام و الحاق به «شرط» نمی‌تواند ایجاد کننده اثر باشد و «شرطِ» تعلق نفقه نیز عبارت است از تمکین و تسلیم نفس» به رویه‌ها و رویکردهای گوناگون گراییده‌اند.

با توجه به اینکه عمده ادله این بحث در منابع فقهیِ شیعه و سنی، معطوف به ادله قرآنی و روایاتِ مربوط به سیره و سنت نبوی در ازدواج است، در بین کشورهای اسلامی که قوانینِ «احوال شخصیه» و «خانواده» در آن‌ها مقتبس از شرع است یا با نگاهی همدلانه و وفاق‌جویانه با شرع تنظیم می‌شود، ادله نقلی و شرعیِ مربوط به این پرسش نسبتاً هماهنگ و هم‌دست است؛ چراکه قرآن و روایاتِ مربوط به سیره و سنت نبوی به‌عنوان ادله و منابعِ مشترک برای کشف و استنباط حکم شرعی در میان همه مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب شیعه محسوب می‌شود و همین یکسانیِ مستنداتِ حکم فقهیِ این بحث بین مذاهب اسلامی و مذهب شیعه، باعث شده تا در قوانین کشورهای اسلامی که سعی در هماهنگی و موافقت قوانینِ خانواده

---

۱. ماده ۱۱۰۸ ـ هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.
۲. ماده ۱۱۰۸ ـ هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.
۳. ماده ۱۰۸۵ ـ زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر این‌که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

و احوال شخصیه با شرع داشته‌اند، نگاه همسویی به وجود آید.

برخی قوانین کشورهای اسلامی، مانند قانون مدنی ایران و همسو با برداشتِ متقن و صحیح از ادله قرآنی و سنتِ نبوی، سعی کرده‌اند تا از نظریه شرطیت تمکین عدول کرده و با نظریه مانعیت نشوز پیوند خورند و برخی دیگر از قوانین کشورهای اسلامی در تلاش برای نزدیک شدن به نظریه شرطیت تمکین بوده‌اند. در ذیل گزارشی از گرایش برخی قوانین کشورهای اسلامی به نظریه مانعیت نشوز و سپس گزارشی از تمایل برخی قوانین کشورهای اسلامی به نظریه شرطیت تمکین ارائه می‌گردد.

۴-۱. قوانین پذیرای نظریه مانعیت نشوز و استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله بین عقد تا زفاف

در ادامه، قانون چند کشور اسلامی که نظریه مانعیت نشوز و برقراری حکم ثبوت و لزوم پرداخت نفقه حین انعقاد نکاح را برگزیده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. قانون کشورهای عراق، سوریه، قطر، اردن، یمن و سودان، نمونه‌های مطالعاتی در تقنینِ این نظریه هستند.

۴-۱-۱. قانون عراق

ازجمله قوانین کشورهای اسلامی که بر اندیشه مانعیت نشوز و لزوم پرداخت نفقه حین انعقاد عقد نکاح سامان یافته، قانون عراق است. در ماده ۲۳ قانون احوال شخصیه عراق (مصوب ۱۹۵۹)، وجوب پرداخت نفقه به محض انعقاد عقد صحیح برقرار شده است. این ماده تصریح می‌کند که حتی اگر زوجه تا پیش از زفاف در منزل پدری سکونت گزیند، باز هم نفقه‌اش بر ذمه مرد مستقر می‌شود، لکن اگر زوج انتقالِ زوجه به منزل مشترک را از وی تقاضا کند و زوجه بدون عذر مواجه امتناع بورزد، به دلیل نشوز، حق نفقه‌اش ساقط می‌گردد.[۱]

در ماده ۲۴، این نکته افزوده شده که نفقه زوجه غیرناشزه، دِینی بر ذمه زوج محسوب می‌شود.[۲] در ماده ۲۵ مصادیقی از نشوز زوجه و سقوط نفقه در حین بروز این مصادیق مورد توجه قانون‌گذار عراق قرار گرفته است که عبارت‌اند از: «ترک منزل مشترک، بدون اذن زوج و بدون دلیل موجه شرعی»، «زندانی شدن زوجه، چه حبس وی ناشی از ارتکاب جرم باشد و چه حبس او ناشی از وجود دینِ پرداخت‌نشده بر ذمه باشد»، «امتناع از مسافرت با زوج بدون دلیل موجه».[۳]

---

۱. «تجب النفقة للزوجة على الزوج من حين العقد الصحيح ولو كانت مقيمة في بيت أهلها إلا إذا طالبها الزوج بالانتقال الى بيته فامتنعت بغير حق».

۲. «تعتبر نفقة الزوجة غير الناشز ديناً في ذمة زوجها...».

۳. «لا نفقة للزوجة في الأحوال الآتية: أ-إذا تركت بيت زوجها بلا إذن، وبغير وجه شرعي. ب-إذا حبست عن جريمة أو دين. ج-إذا إمتنعت

۴-۱-۲. قانون سوریه

قانون سوریه از دیگر قوانین دول اسلامی است که صرفِ انعقاد عقد نکاح را کافی برای لزوم پرداخت نفقه می‌داند. منطبق با ماده ۷۲ قانون احوال شخصیه سوریه (مصوب ۱۴۳۰/۲۰۰۹ق)، نفقه از حین انعقاد عقد صحیح به ذمه زوج می‌آید. در این ماده تصریح شده که حتی پیش از زفاف و در دورانی که زوجه هنوز در منزل پدری به سکونت نشسته، باز هم نفقه وی بر عهده زوج است، لکن اگر زوج درخواست نقل مکانِ زوجه از منزل پدری به منزل مشترک را بنماید و زوجه امتناع نماید، به دلیل تحقق نشوز، حق نفقه وی ساقط می‌شود.[۱]

در ماده ۷۴ به سقوط نفقه حین نشوز تصریح شده و به این مطلب اشعار داشته است که اگر زوجه ترک نشوز کند، مجدداً حق نفقه وی احیاء و تجدید می‌شود.[۲] در مواد ۷۳ و ۷۵ به برخی از مصادیق نشوز و سقوط نفقه حین بروز آن حالت‌ها پرداخته شده است. ماده ۷۳ اشتغال زوجه در خارج از منزل مشترک بدون اخذ اذن از زوج را به‌عنوان یکی از مصادیق مهم نشوز قلمداد می‌کند[۳] و ماده ۷۵ نیز دو مصداق از مصادیق نشوز را بیان کرده است که عبارت‌اند از: «ترک منزل مشترک بدون مجوز مشروع» و «ممانعت از ورود زوج به منزلِ زوجه، قبل از انتقال زوجه به منزل مشترک».[٤]

۴-۱-۳. قانون قطر

قانون خانواده قطر (مصوب ۲۰۰۶) در ماده ۶۱ تصریح می‌کند که نفقه زوجه به صرف انعقاد عقد صحیح، ثابت و لازم‌الایفاء می‌گردد، لکن امتناع زوجه از «تسلیم نفس خویش در اختیار زوج» به‌عنوان مانعی بر سر راه حکم الزامیِ وجوب پرداخت نفقه محسوب شده است.[٥]

در ماده ۶۹ قانون خانواده قطر، بار دیگر در مقام تقویت و تأیید و استحکامِ نظریه مانعیت نشوز برمی‌آید و با ذکر برخی از مصادیق نشوز، بروز این حالت‌ها را مانع حکم الزامیِ وجوب پرداخت نفقه می‌داند؛[٦] برای مثال «امتناع از تسلیم نفس خود در اختیار زوج»،[۷] «عدم ورود به منزل مشترک، بدون داشتن عذر

عن السفر مع زوجها بدون عذر شرعي».

۱. «تجب النفقة للزوجة على الزوج... من حين العقد الصحيح ولو كانت مقيمة في بيت أهلها إلا إذا طالبها الزوج بالنقلة امتنعت بغير حق».

۲. «إذا نشزت المرأة فلا نفقة لها مدة النشوز».

۳. «يسقط حق الزوجة في النفقة إذا عملت خارج البيت دون إذن زوجها».

٤. «الناشز هي التي تترك دار الزوجية بلا مسوغ شرعي أو تمنع زوجها من الدخول إلى بيتها قبل طلبها النقل إلى بيت آخر».

٥. «تجب النفقة للزوجة على زوجها بالعقد الصحيح إذا لم تمتنع عن تسليم نفسها إليه».

٦. «تعتبر الزوجة ناشزاً لا تستحق النفقة في الأحوال التالية».

۷. «إذا منعت نفسها من الزوج».

موجه»،[۱] «خروج از منزل مشترک بدون داشتن عذر موجه»،[۲] «مانع شدن از ورود زوج به منزل مشترک بدون عذر موجه»،[۳] «عدم همراهی با زوج در مسافرت، در شرایطی که زوج قصد همراهی زوجه با خود را در آن سفر دارد، بدون آنکه زوجه عذر موجهی داشته باشد»،[٤] «مسافرت زوجه بدون اخذ اذن از زوج»[٥] و «اشتغال زوجه در خارج از منزل مشترک بدون موافقت زوج، در شرایطی که زوج نخواهد به زور مانع کار کردن زوجه گردد».[٦]

۴-۱-۴. قانون اردن

قانون اردن ازجمله قوانین کشورهای اسلامی است که محض انعقاد عقد نکاح را کافی برای ثبوت و لزوم نفقه می‌داند. منطبق با ماده ۶۰ قانون احوال شخصیه اردن (مصوب ۲۰۱۹)، نفقه زوجه با انعقاد عقد صحیح بر زوج لازم می‌شود. در این ماده تصریح شده که پیش از زفاف که زوجه کماکان در منزل پدری ساکن است و هنوز به منزل مشترک با زوج منتقل نشده است نیز مستحق نفقه است؛[۷] لکن اگر زوج تقاضای انتقال زوجه به منزل مشترک را داشته باشد و زوجه بدون داشتن حق مشروع و موجه از انتقال به منزل مشترک امتناع نماید، از آنجا که امتناع زوجه نشوز محسوب می‌شود، حق نفقه ساقط می‌شود.[۸]

در ماده ۶۲ به نظریه اسقاط حق نفقه در فرض نشوز زوجه تصریح شده است. مبتنی بر این ماده، اگر زوجه بعد از ورود به منزل مشترک، بدون عذر موجه، منزل مشترک را ترک گوید، یا پیش از ورود به منزل مشترک از ورود زوج به منزل خود ممانعت به عمل آورد، ناشزه محسوب می‌شود و از آن زمان به بعد، حق نفقه‌اش ساقط می‌گردد.[۹]

۴-۱-۵. قانون یمن

از دیگر دول اسلامی که بر اندیشه ثبوت نفقه به محض انعقاد نکاح استقرار یافته، قانون یمن است. به تصریح ماده ۱۵۰ قانون احوال شخصیه یمن (مصوب ۱۹۹۲)، نفقه زوجه حین انعقاد عقد به وی تعلق

---

۱. «امتنعت عن الانتقال إلى مسكن الزوجية دون عذر شرعي».
۲. «إذا تركت مسكن الزوجية دون عذر شرعي».
۳. «إذا منعت الزوج من الدخول إلى بيت الزوجية دون عذر شرعي».
٤. «إذا امتنعت من سفر النقلة مع زوجها دون عذر شرعي».
٥. «سافرت بغير إذنه».
٦. «إذا عملت خارج المسكن دون موافقة زوجها، ما لم يكن الزوج متعسفاً في منعها من العمل».
۷. «تجب النفقة للزوجة... من حين العقد الصحيح ولو كانت مقيمة في بيت أهلها».
۸. «... وإذا طالبها الزوج بالنقلة إلى بيت الزوجية فامتنعت بغير حق شرعي فلا نفقة لها...».
۹. «إذا نشزت الزوجة فلا نفقة لها... والناشز هي التي تترك بيت الزوجية بلا مسوغ شرعي، أو تمنع الزوج من الدخول إلى بيتها قبل طلبها النقلة إلى بيت آخر...».

می‌گیرد. وضعیت اختصاصی و ویژه زوج یا زوجه در حین انعقاد نکاح نیز تأثیری در ثبوت نفقه در آن زمان برجای نمی‌نهد و در هر صورت، حین انعقاد عقد، نفقه بر ذمه مرد قرار می‌گیرد.[۱]

آنگاه در ماده ۱۵۲، مصادیقی از نشوز زوجه که منجر به سقوط نفقه می‌گردد مورد اشاره قرار گرفته که عبارت‌اند از: «امتناع زوجه از انتقال به منزل مشترک بدون عذر موجه»، «ترک منزل مشترک بدون عذر موجه»، «امتناع زوجه از ورود به منزل مشترک بعد از انتقال به این منزل»، «اشتغال زوجه به کاری خارج از منزل، بدون موافقت زوج، در شرایطی که زوج به زور مانع اشتغال زوجه نگردد» و «عدم همراهی با زوج در مسافرت، بدون عذر موجه».[۲]

۴-۱-۶. قانون سودان

از دیگر قوانین کشورهای اسلامی که به نظریه مانعیت نشوز و ثبوت نفقه حین انعقاد نکاح پیوسته است، قانون سودان است. ماده ۶۹ قانون احوال شخصیه سودان (مصوب ۱۹۹۲) تاریخ لزوم پرداخت نفقه را حین عقد صحیح می‌داند.[۳] در مواد ۷۵، ۹۲ و ۹۳، نشوز، مسقط نفقه دانسته شده است. در ماده ۹۳ نشوز را مشتمل بر یک عنوان کلی و تعدادی مصادیق دانسته است. یک عنوان کلی که باعث نشوز و سقوط نفقه است، طبق ماده ۹۲ عبارت است از خروج زوجه از اطاعت زوج.[۴] مصادیقی که باعث نشوز و سقوط نفقه می‌شوند، طبق ماده ۷۵ عبارت‌اند از: «امتناع زوجه از انتقال به منزل مشترک، بدون عذر موجه»، «ترک منزل مشترک، بدون عذر موجه»، «ممانعت از ورود زوج به منزل مشترک بدون عذر موجه»، «اشتغال زوجه در خارج از منزل، بدون موافقت زوج، در شرایطی که زوج برای ممانعت زوجه به زور متوسل نشده باشد» و «امتناع از همراهی با زوج در مسافرت بدون عذر موجه».[۵]

۴-۲. قوانینِ پذیرای نظریه شرطیت تمکین و عدم استحقاق نفقه برای زوجه در فاصله عقد تا زفاف

در ادامه، قوانین چندین کشور اسلامی که به نظریه شرطیت تمکین پیوسته‌اند و صرف انعقاد عقد نکاح را

---

۱. «تجب النفقة للزوجة کیف کانت علی زوجها کیف کان من وقت العقد...».

۲. «لا نفقة للزوجة في الاحوال التالية :ا-اذا امتنعت عن الانتقال الی بیت الزوجیة من دون عذر شرعي. ب-اذا ترکت بیت الزوجیة من دون عذر شرعي. ج-اذا امتنعت الزوجة من الدخول الی بیت الزوجیة من دون عذر شرعي. د-اذا عملت خارج البیت دون موافقة زوجها مالم یکن متعسفا في منعها من العمل. هـ-اذا امتنعت من السفر مع زوجها دون عذر».

۳. «تجب نفقة الزوجة علی زوجها من حین العقد الصحیح».

٤. «إذا امتنعت الزوجة عن طاعة زوجها، فیسقط حقها فی النفقة مدة الإمتناع».

٥. «لا نفقة للزوجة فی أی من الحالات الآتیة، وهی: ـ (أ) إمتناعها عن الإنتقال الی بیت الزوجیة، دون عذر شرعی، (ب) ترکها بیت الزوجیة، دون عذر شرعی، (ج) منعها للزوج من الدخول الی بیت الزوجیة، دون عذر شرعی، (د) عملها خارج البیت، دون موافقة زوجها، ما لم یکن متعسفاً فی منعها من العمل، (هـ) إمتناعها عن السفر مع زوجها، دون عذر شرعی».

کافی برای لزوم پرداخت نفقه ندانسته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. قوانین کشورهای مصر، عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، کویت و امارات متحده عربی نمونه‌های مطالعاتی در تقنینِ این نظریه هستند.

۴-۲-۱. قانون مصر

ازجمله قوانین کشورهای اسلامی که تاریخ ثبوت، لزوم و وجوب ادای نفقه را تا زمان تمکین به تأخیر می‌اندازد، قانون مصر است که در همان نخستین ماده قانون احوال شخصیه مصر (مصوب ۱۹۲۰)، «سبب» وجوب نفقه را تاریخ عقد صحیح می‌داند و «شرط» وجوب را «تسلیم نفس خود در اختیار زوج» می‌داند. در این ماده به مانند قانون احوال شخصیه عربستان و همسو با دیدگاه فقیهانِ معتقد به نظریه «شرطیت تمکین»، به این نکته تصریح شده که «تسلیم نفس» می‌تواند حُکمی باشد و تسلیمِ نفسِ حُکمی به معنای بروز ظاهر، اماره و قرینه‌ای از سوی زوجه است که دالّ بر آمادگی او برای تسلیم نفس است.[۱]

در ادامه ماده ۱، وضعیتی بیان می‌شود که زوجه با تمکینِ ابتدایی، مستحق نفقه شده است، ولی با نشوزِ طاری، حق نفقه را استدامتاً از دست می‌دهد. مصادیقی از نشوز که در این ماده بیان شده عبارت است از: «ارتداد زوجه»، «امتناع از تسلیم نفس بدون داشتن حق مشروع»، «اضطرار زوجه به امتناع از تسلیم نفس در صورتی که بروز اضطرار ارتباطی با رفتار یا گفتار زوج نداشته باشد» و «خروج زوجه از منزل بدون اذن از زوج».[۲]

۴-۲-۲. قانون عربستان سعودی

از دیگر قوانین که بر اندیشه شرطیت تمکین سامان یافته، قانون عربستان سعودی است. ماده ۵۱ قانون (نظام) احوال شخصیه عربستان سعودی (مصوب ۱۴۴۳ ق)، نفقه را افزون بر انعقاد عقد نکاح صحیح، منوط بر تمکین حقیقی یا حُکمیِ زوجه می‌داند.[۳] ادبیات شرطی که در این ماده استعمال شده و لزوم نفقه را مشروط به تمکین دانسته، گویای اتخاذ نظریه شرطیت تمکین است.

«تمکینِ حقیقی» در ماده ۵۱ به معنای وقوع رابطه زناشویی بین زوجین است و مراد از «تمکینِ حُکمی»، تسلیم نفس خود در اختیار زوج است. فقیهانِ قائل به نظریه شرطیت تمکین نیز دقیقاً به همین روش رفته‌اند: یعنی افزون بر تمکین حقیقی، ابراز لفظی یا عملیِ زوجه به اینکه خود را در اختیار زوج قرار

---

۱. «تجب النفقة للزوجة علی زوجها من تاریخ العقد الصحیح إذا سلمت نفسها إلیه ولو حکما...».
۲. «ولا یجب النفقة للزوجة إذا ارتدت، او امتنعت مختارة من تسلیم نفسها دون حق او اضطرت الی ذلك بسبب لیس من قبل الزوج، او خرجت دون اذن زوجها».
۳. «... تجب النفقهٔ للزوجهٔ علی زوجها بموجب عقد الزواج الصحیح إذا مکّنته من نفسها حقیقهً أو حکماً».

می‌دهد، کافی برای ثبوت و لزوم نفقه دانسته شده است. منطبق با ماده ۵۵ قانون (نظام) احوال شخصیه عربستان سعودی، در صورتی که زوجه با تمکینِ بدوی خود مستحق گردد، ولی نشوزِ طاری در اثنای زندگی، بدون عذر موجه باعث اسقاط بقای حق نفقه وی است. مصادیقی که در این ماده از آن سخن رفته عبارت‌اند از: «امتناع از تسلیم خود در اختیار زوج»، «امتناع از ورود به منزل مشترک»، «امتناع از هم‌خوابگی در بستر مشترک با زوج» و «امتناع از همراهی با زوج در مسافرت».[۱]

۴-۲-۳. قانون الجزایر

از دیگر قوانین کشورهای اسلامی که بر نظریه شرطیت تمکین اتکای دارد، قانون الجزایر است که در ماده ۷۴ قانون خانواده الجزایر (مصوب ۱۴۰۴/۲۰۰۳ ق)، شرط ثبوت و وجوب نفقه را برقراری رابطه جنسی یا دعوت از زوجه به برقراری رابطه جنسی می‌داند. عینِ همین شرط در قانون خانواده مراکش نیز آمده است، لکن قانون خانواده الجزایر مطلب مهمی را نیز اضافه می‌کند که نتیجه و اثر نظریه شرطیت تمکین است. در ادامه ماده ۷۴ قانون خانواده الجزایر، تأثیر نظریه شرطیت بر اثبات واقعه دخول، این‌گونه بیان شده که این امر باید به‌وسیله ادله اثبات گردد.[۲] این جمله پایانی در ماده ۷۴ همان است که فقیهانِ قائل به نظریه شرطیت تمکین بیان کرده‌اند و اثبات واقعه تمکین توسط زوجه را لازمه ضروری ثبوت نفقه دانسته‌اند.

۴-۲-۴. قانون مراکش

از دیگر قوانین کشورهای اسلامی که به صراحت بر اندیشه شرطیت تمکین برای وجوب نفقه تصریح کرده است، قانون مراکش است که در ماده ۱۹۴ قانون خانواده مراکش (مصوب ۲۰۰۴ / ۱۴۲۴ق)، لزوم و وجوب پرداخت نفقه به زوجه را مستلزم برقراری رابطه جنسی یا دعوت از زوجه برای برقراری رابطه جنسی می‌داند.[۳]

۴-۲-۵. قانون کویت

از دیگر قوانین کشورهای اسلامی که بر اندیشه شرطیت تمکین سامان یافته است، قانون کویت است. بنا بر ماده ۷۴ قانون احوال شخصیه کویت (مصوب ۱۹۸۴) که با تأسی از قانون احوال شخصیه مصر تدوین

---

۱. «یسقط حق الزوجة فی النفقة إذا منعت نفسها من الزوج، أو امتنعت عن الانتقال إلی بیت الزوجیة أو المبیت فیه أو السفر مع الزوج، من دون عذر مشروع».

۲. «تجب نفقة الزوجة علی زوجها بالدخول بها أو دعتها الیه ببینة...».

۳. «تجب نفقة الزوجة علی زوجها بمجرد البناء، وکذا إذا دعته للبناء بعد أن یکون قد عقد علیها».

یافته است، سبب وجوب نفقه، همانا عقد صحیح و شرط وجوب نفقه، تسلیم نفس قلمداد شده و بسان قانون مصر تسلیم نفس را اعم از تسلیم حقیقی یا تسلیم حُکمی مقرر داشته است.[۱]

بند نخست ماده ۸۷ دو مصداق از مصادیق نشوز طاری که منجر به سقوط حق نفقه از زمان اثبات بروز این مصادیق در محکمه می‌گردد را بیان کرده که عبارت است از: «امتناع زوجه از ورود به منزل مشترک بدون داشتن عذر موجه» و «ممانعت زوجه از اسکان زوج در منزل خویش، در شرایطی که زوج مانع ورود زوجه به منزل مشترکِ زوجیت نمی‌گردد».[۲]

۴-۲-۶. قانون امارات متحده عربی

از دیگر قوانین کشورهای اسلامی که با اقتباس تلفیقی از قوانین احوال شخصیه مصر و عربستان سعودی تدوین یافته و بسان قوانین این دو کشور، تمکین را شرط ثبوت نفقه دانسته است، قانون امارات متحده عربی است. منطبق با ماده ۶۶ قانون اتحادی احوال شخصیه امارات متحده عربی (مصوب ۲۰۰۵)، عقد صحیح صرفاً می‌تواند وجوب پرداخت نفقه را «سبب‌سازی» کند، ولی شرط وجوب پرداخت نفقه منوط به «تسلیم نفس در اختیار زوج» است. این ماده نیز به‌مانند دو منبع اصلی اقتباسی خود (قوانین احوال شخصیه مصر و عربستان سعودی)، تسلیمِ نفسِ حُکمی (اظهار آمادگی لفظی یا عملی زوجه برای تسلیم نفس یا بروز ظاهری از وی که بر آمادگی وی دلالت، قرینیت و ظهور دارد) را کافی برای لزوم پرداخت نفقه دانسته است.[۳]

آنگاه در ماده ۷۱، صورت‌هایی از نشوز طاری را بیان می‌کند که در صورت بروز این صور، حق نفقه توان بقا و تداوم را نخواهد داشت. صور مزبور عبارت‌اند از: «امتناع از تسلیم نفس در اختیار زوج بدون عذر موجه»، «امتناع از ورود به منزل مشترک بدون عذر موجه»، «ترک منزل مشترک بدون عذر موجه»، «ممانعت از ورود زوج به منزل مشترک بدون عذر موجه»، «امتناع از همراهی با زوج در مسافرت بدون عذر موجه» و «صدور حکم یا قرار قضایی که منجر به تحدید آزادی زوجه گردد، در مواردی که این تحدید به حقوق زوج ارتباطی ندارد».[٤]

---

۱. «تجب النفقة للزوجة علی زوجها بالعقد الصحیح... إذا سلمت نفسها إلیه ولو حکماً».

۲. «أ. إذا إمتنعت الزوجة عن الإنتقال إلی منزل الزوجیة بغیر مسوغ، أو منعت الزوج أن یساکنها فی منزلها و لم یکن أبی نقلها، سقط حقها فی النفقة مدة الإمتناع الثابت قضاء...».

۳. «تجب النفقة للزوجة علی زوجها بالعقد الصحیح إذا سلمت نفسها إلیه ولو حکماً...».

٤. «تسقط نفقة الزوجة فی الاحوال الآتیة: ۱. إذا منعت نفسها من الزوج أو امتنعت عن الإنتقال إلی بیت الزوجیة الشرعی دون عذر شرعی. ۲. إذا ترکت بیت الزوجیة دون عذر شرعی. ۳. إذا منعت الزوج من الدخول إلی بیت الزوجیة دون عذر شرعی. ۴. إذا إمتنعت عن السفر مع زوجها دون عذر شرعی. ۵. إذا صدر حکم أو قرار من المحکمة مقید لحریتها فی غیر حق للزوج و جاری تنفیذه».

۵. مشترکات دو دسته از قوانین در کشورهای اسلامی

با بررسی قوانین در دوازده کشور اسلامی، نقطه اصلی تمایز و انفکاک این دو دسته از قوانین روشن گردید که برخی صِرف انعقاد نکاح را کافی برای استحقاق نفقه دانسته‌اند و برخی دیگر استحقاق نفقه را افزون بر عمل حقوقیِ نکاح، مشروط به تمکین، تسلیم نفس یا آمادگی برای آن دانسته‌اند. اینک اگر بخواهیم مشترکات این دو دسته از قوانین در کشورهای اسلامی را در مسئله مزبور برشماریم می‌توان چنین گفت که اگر زوجه در ابتدای نکاح، تمکینِ بدوی داشته باشد، منطبق بر دیدگاه هر دو دسته از قوانین، استحقاق نفقه خواهد و در صورت نشوزِ طاری در اثنای زندگی، طبق نظر هر دو دسته از قوانین، مستحق نفقه نخواهد بود. بعد از نشوز طاری و اسقاط حق نفقه، اگر زوجه با تغییر رویه مجدداً به تمکین بازگردد، منطبق با دیدگاه هر دو دسته از قوانین، حق نفقه‌اش نیز احیاء می‌شود که به این مطلب در قانون سوریه تصریح شده است.

غالب قوانین کشورهای اسلامی معیار و ضابطه دقیقی را برای نشوزِ طاری زوجه مطرح نکرده‌اند و به ذکر مصادیق نشوز بسنده کرده‌اند. تنها قانون کشور سودان است که معیار نشوز را معین ساخته و آن را «خروج زوجه از اطاعت زوج» دانسته است. قانون سودان و قانون سایر کشورهای اسلامی، مصادیقی را جهت شناسایی دقیق‌ترِ نشوز طاری مطرح کرده‌اند، لکن در طرح مصادیق نشوز طاری نیز اختلاف زیادی بین قوانین کشورهای اسلامی وجود دارد. در ذیل برخی مصادیق مطروحه در قوانین کشورهای اسلامی و کشورهایی که این مصداق را برگزیده‌اند، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. «امتناع از تسلیم نفس خود در اختیار زوج بدون دلیل موجه» (قطر، مصر، عربستان، امارات)؛
۲. «امتناع از هم‌بستر شدن با زوج» (عربستان)؛
۳. «اضطرار به عدم تسلیم نفس در صورتی که منشأ حدوث اضطرار، رفتار یا گفتار زوج نباشد» (مصر)؛
۴. «ترک منزل مشترک، بدون اذن زوج و بدون دلیل موجه شرعی» (عراق، سوریه، قطر، اردن، یمن، سودان و امارات)؛
۵. «خروج از منزل بدون اذن از زوج» (مصر)؛
۶. «زندانی شدن زوجه، چه حبس وی ناشی از ارتکاب جرم باشد و چه حبس او ناشی از وجود

دینِ پرداخت‌نشده بر ذمه باشد» (عراق و امارات)؛

۷. «امتناع از همراهی در مسافرت با زوج بدون دلیل موجه» (عراق، قطر، یمن، سودان، عربستان و امارات)؛

۸. «مسافرت زوجه بدون اخذ اذن از زوج» (قطر)؛

۹. «ارتداد» (مصر)؛

۱۰. «اشتغال زوجه در خارج از منزل مشترک بدون اخذ اذن از زوج و بدون موافقت زوج در شرایطی که زوج برای ممانعت زوجه از اشتغال به زور متوسل نشده باشد» (سوریه، قطر، یمن و سودان)؛

۱۱. «مانع شدن از ورود زوج به منزل مشترک بدون عذر موجه» (قطر و سودان و امارات)؛

۱۲. «ممانعت از ورود زوج به منزلِ زوجه، قبل از انتقال زوجه به منزل مشترک» (سوریه و اردن و کویت).

نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری درباره تعلق نفقه به زوجه در دوران مابینِ عقد ازدواج تا زفاف، مبتنی بر گزینش مبنا در مسئله مبنایی دیگری است. پرسش مبنایی از این قرار است: «آیا عقد نکاح، «سببِ» قرار گرفتن نفقه بر ذمه زوج است و تا زمانی‌که این سبب، مقرون به «شرطِ» تمکین یا آمادگی برای تمکین نگردد، نفقه بر ذمه زوج مستقر و ثابت نمی‌گردد»؟ یا آنکه «عقد نکاح، «مقتضی» برای ثبوت، لزوم و وجوب پرداخت نفقه است و به محض وقوع عقد نکاح تا زمانی‌که مانعِ نشوز اثبات نگردد، باید نفقه زوجه پرداخت شود».

دیدگاه نخست، صرفِ انعقاد عقد را کافی برای الزام به پرداخت نفقه نمی‌داند و آن را در مقام «سبب» می‌نشاند و افزون بر آن، تمکین یا آمادگی به تمکین را «شرطِ» لزوم پرداخت نفقه می‌داند. مؤلفه‌های این دیدگاه عبارت‌اند از:

الف. زوجه باید در قالب لفظ یا فعلِ مبیّن قصد، اظهار آمادگی خود را جهت تمکین به زوج اعلان نماید تا مستحق نفقه باشد. بعد از تمکینِ عملی یا اظهار آمادگی به تمکین، زوجه مستحق نفقه است؛

ب. اگر زوجه اظهار آمادگی به تمکین نماید و زوج به برقراری رابطه با زوجه اقدام نورزد، زوجه مستحق نفقه است. برای مثال اگر زوجه آماده حضور در منزل مشترک باشد، ولی زوج فاقد امکانات لازم جهت تأمین زندگی مشترک باشد، نفقه زوجه بر عهده زوج خواهد بود؛

ج. در اختلاف پیرامون نشوز و تمکین، به نحوی که زوجه ادعای تمکین نماید و زوج ادعای نشوز،

زوجه نقش مدعی را بر عهده دارد و زوج نقش منکر را می‌یابد و ازاین‌رو زوجه باید تمکینِ خود را به اثبات رساند تا مستحق نفقه گردد.

دیدگاه دوم، نفقه را منوط بر تحقق صِرف عُلقه زوجیت می‌داند و این عُلقه را به صرف انعقاد عقد، محقق می‌داند. ازاین‌رو انعقاد عقد از منظر این دیدگاه، «مقتضی» برای تعلق نفقه به زوجه است تا زمانی که نشوز وی اثبات شود. اثبات نشوز مبتنی بر این نظریه مانع حق نفقه است، نه آنکه تمکین شرط ثبوت نفقه باشد. مؤلفه‌های این دیدگاه عبارت‌اند از:

الف. بعد از انعقاد عقد، زوجه نیاز نیست آمادگی خود را جهت تمکین اعلان و اظهار نماید، بلکه صرف انعقاد عقد برای استحقاق نفقه کفایت می‌کند؛

ب. در صورت دعوای زوجین راجع‌به نشوز و تمکین، به‌گونه‌ای که زوج ادعای نشوز و زوجه ادعای تمکین نمایند، زوج نقش مدعی و زوجه نقش منکر را می‌یابند. ازاین‌رو زوج باید نشوز زوجه را اثبات نماید تا بتواند از زیر بار پرداخت نفقه رهایی یابد و تا قبل از اثبات، استحقاق نفقه باقی خواهد بود.

در متون فقه امامیه، علی‌رغم آنکه ادعای شهرت بر نظریه نخست (شرطیت تمکین) می‌شود، اما ادله این دیدگاه که ریشه در قرآن و سیره نبی مکرم دارد، دلالتی بر شرطیت تمکین ندارند و نارسا در اثبات مدعای این دیدگاه است. در مقابل، ادله شرعیِ متضافر بر تکلیف زوج به پرداخت نفقه از حین انعقاد نکاح دلالت دارد که مؤید دیدگاه دوم است.

حقوق ایران بر مبنای جمع بین دو ماده ۱۱۰۲ و ۱۱۰۶ قانون مدنی، نظریه مانعیت نشوز را برگزیده است. ازاین‌رو مبتنی بر حقوق ایران، در فاصله زمانی میان عقد تا زفاف، زوجه واجد حق نفقه است، مگر آنکه زوج بتواند نشوز وی را اثبات نماید. حتی اگر زوجه در دوران عقد تا زفاف از تمکین جنسی و همچنین از ورود به منزل مشترک با استناد به حق حبس خود امتناع به عمل آورد، از آنجا که حق حبس عذر موجه در عدم تمکین محسوب می‌شود (مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی)، به تصریح ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زوجه باز هم مستحق نفقه است.

در قوانین کشورهای اسلامی نیز به‌مانند اختلاف‌نظری که در متون فقه امامیه وجود دارد، اختلاف در «شرطیتِ تمکین» یا «مانعیتِ نشوز» وجود دارد. با توجه به اینکه ادله اصلی و عمده در این مسئله، عبارت است از ادله قرآنی و سیره نبوی که این سیره در منابع تاریخ و سیره اهل سنت مطرح شده است، غالب ادله فقهی در این مسئله بین شیعه و مذاهب اهل سنت یکسان است و به همین دلیل قوانین کشورهای اسلامی نیز مبتنی بر مبنای مذهب رسمی خود به تقنینِ یکی از دو دیدگاه در قوانین خود اهتمام ورزیده‌اند.

قوانین احوال شخصیه و خانواده برخی کشورهای اسلامی، متضمن دیدگاهِ شرطیت تمکین است که در مقاله حاضر قانون شش کشور مسلمان که مبتنی بر این نظریه گام برداشته‌اند مورد بررسی قرار گرفت که عبارت‌اند از کشورهای مصر، عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، کویت و امارات متحده عربی. قانون این کشورها، دخترِ ازدواج‌کرده را مستحق نفقه نمی‌داند تا زمانی که واقعه «تمکین» یا «تسلیم نفس» یا «دخول» رخ دهد. قانون کشور مصر از واژه «تسلیم نفس» استفاده کرده و به همین دلیل قانون برخی از کشورهای اسلامی به تأسی از قانون مصر از همین واژه بهره گرفته‌اند، نظیر کویت و امارات متحده عربی.

قانون کشور عربستان سعودی از واژه «تمکین» استفاده کرده و قانون کشور الجزایر از واژه «دخول» استفاده کرده و قانون مراکش از واژه «بناء» استفاده کرده که معادل با «رابطه جنسی» است.

قوانین کشورهای الجزایر و مراکش، افزون بر واقعه دخول، دعوت به برقراری رابطه جنسی یا دخول را نیز کافی برای ثبوت نفقه دانسته‌اند. درواقع، زمانی که زوجه به برقراری رابطه دعوت می‌شود و آمادگی خود را نشان می‌دهد، حتی اگر رابطه‌ای به وقوع نپیوندد، یا رابطه واقع‌شده به دخول منتهی نشود، باز هم همین آمادگی زوجه کافی برای ثبوت نفقه تلقی می‌شود. آمادگی زوجه در قالب ظهورات، قرائن و اماراتی در رفتار یا گفتار یا وضعیت یا اوضاع و احوال وی بروز می‌یابد. از این حالت در متون قانونیِ کشورهای مصر و به تأسی از مصر، در متون قانونیِ کشورهای کویت و امارات متحده عربی، به حالتِ «تسلیمِ نفسِ حُکمی» یاد شده است و در متون قانونی کشور عربستان سعودی به این حالت، «تمکینِ حُکمی» اطلاق شده است. در مقابل، از تمکینِ عملی در قانون کشور عربستان به حالتِ «تمکینِ حقیقی» نام برده شده است. در مقابل قوانین احوال شخصیه و خانواده برخی دیگر از کشورهای اسلامی، متضمن دیدگاه مانعیت نشوز است که در مقاله حاضر قانون شش کشور مسلمان که مبتنی بر این نظریه سامان یافته است مورد بررسی قرار گرفت که عبارت‌اند از کشورهای عراق، سوریه، قطر، اردن، یمن و سودان.

قانون این کشورها، زوجه را بعد از انعقاد عقد نکاح مستحق نفقه می‌دانند، حتی اگر وی در منزل پدری سکنا گزیده باشد. لکن اگر با دعوت زوج، زوجه از انتقال و ورود به منزل مشترکِ زوجیت امتناع ورزد، یا بعد از ورود به منزل مشترک، مرتکب یکی از مصادیق نشوز گردد، از زمان اثبات واقعه نشوز، حق نفقه وی ساقط می‌شود.

فهرست منابع

قرآن حکیم

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). **الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶). **استفتاءات**. قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت.

تبریزی، میرزاجواد (۱۳۷۸). **استفتائات جدید**. قم: انتشارات سرور، قم.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). **استفتاءات**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۳). **استفتاءات**. قم: حدیث دل.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). **استفتاءات**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). **مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.

طباطبایی حکیم، سید محمدسعید (۱۳۹۱). **توضیح المسائل**. قم: مهر ثامن الائمه(ع).

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). **قواعد الأحکام**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

فخرالمحققین، محمد بن حسن حلی (۱۳۸۷ق). **إیضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد**. قم: اسماعیلیان.

فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۶ق). **توضیح المسائل**. قم: مجلسی.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق) **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. قم: اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق) **استفتاءات**. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (ع).

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴) **استفتاءات**. تهران: نشر سایه.

موسوی عاملی، سیدمحمد (۱۴۱۳ ق) **نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۷۱ق). **جامع الشتات**. تهران: کیهان.

نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق). **جواهر الکلام**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

هندی اصفهانی، فاضل محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). **کشف اللثام عن قواعد الأحکام**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

قانون احوال شخصیه اردن (مصوب ۲۰۱۹).

قانون احوال شخصیه سودان (مصوب ۱۹۹۲).

قانون احوال شخصیه سوریه (مصوب ۲۰۰۹/۱۴۳۰ق).

قانون احوال شخصیه عراق (مصوب ۱۹۵۹).

قانون (نظام) احوال شخصیه عربستان سعودی (مصوب ۱۴۴۳ق).

قانون احوال شخصیه کویت (مصوب ۱۹۸۴).

قانون احوال شخصیه مصر (مصوب ۱۹۲۰).

قانون احوال شخصیه یمن (مصوب ۱۹۹۲).

قانون اتحادی احوال شخصیه امارات متحده عربی (مصوب ۲۰۰۵).

قانون خانواده الجزایر (مصوب ۲۰۰۳/۱۴۰۴ق).

قانون خانواده قطر (مصوب ۲۰۰۶).

قانون خانواده مراکش (مصوب ۲۰۰۴/ ۱۴۲۴ق).

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵) حقوق خانواده. تهران: انتشار.

گنجینه استفتائات قضایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا.